

وحدت لسان

حضرت بهاء الله

اصلى فارسی



لوح رقم (126) امر و خلق - جلد 4

۱۲۶ - وحدت لسان

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: "یا اهل المجالس فی البلاد اختاروا لغةً من اللغات لِتَکَلَّمُ بِهَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ وَ کَذَلِکَ مِنْ الْخُطُوطِ إِنَّ اللَّهَ یُبَیِّنُ لَکُمْ مَا یَنْفَعُکُمْ وَ یُعْزِیْکُمْ عَنْ دُونِکُمْ أَنَّهُ لَھُو الْفَضْلُ الْعَلِیمُ الْخَبِیرُ هَذَا سَبَبُ الْإِتِّحَادِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ الْعِلَّةُ الْکُبْرَى لِلْإِتِّفَاقِ وَ التَّمَدُّنِ لَوْ أَنْتُمْ تَشْعُرُونَ إِنَّا جَعَلْنَا الْأَمْرَیْنَ عَلَامَتَیْنِ لِبُلُوغِ الْعَالَمِ الْأَوَّلِ وَ هُوَ الْأُسُّ الْأَعْظَمُ نَزَّلْنَاهُ فِی الْوَاحِ أُخْرَى وَ الثَّانِیَ نَزَّلَ فِی هَذَا اللَّوْحِ الْبَدِیعُ"

و در لوح خطاب بسلیمان است قوله الاعلی: "در لوحی از الواح نازل است که از جمله علامات بلوغ دنیا آن است که نفسی تحمل امر سلطنت ننماید سلطنت بماند و احدی اقبال نکند که وحده تحمل آن نماید آن ایام ایام ظهور عقل است ما بین بریه مگر آنکه نفسی لاظهار امر الله و انتشار او حمل این ثقل عظیم نماید نیکو است حال او که حبّ الله و امره و لوجه الله و اظهار دینه خود را باین خطر عظیم اندازد و قبول این مشقّت و زحمت نماید این است که در الواح نازل که دعای چنین سلطان و محبت او لازم است"

و قوله الامنع: "این امر مبرم از جبروت قدم از برای اهل عالم عموماً و اهل مجالس خصوصاً نازل شده چه که اجرای اوامر و احکام و حدودات منزله در کتاب برجال بیوت عدل الهی تفویض شده و این حکم سبب اعظم از برای اتّحاد و علّت کبری است برای مخالطه و وداد من فی البلاد و این السن مختلفه ما بین احزاب متداول است و مخصوص است بطوائف مذکوره و یک لسان دیگر امر شده که اهل عالم عموماً بآن تکلم نمایند تا کلّ از لسان یکدیگر مطلع شوند و مراد خود را بیابند ... لسان پارسی بسیار ملیح است و لسان الله در این ظهور بلسان عربی و فارسی هر دو تکلم نموده و لکن بسط عربی را نداشته و ندارد بلکه جمیع لغات نسبت باو



ORIGINAL

محدود بوده و خواهد بود و این مقام افضلیّت است که ذکر شده ولکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عموم خلق بآن تکلم کنند و همچنین سوای خطوط مخصوصه طوائف یک خط اختیار نمایند بالاخره جمیع لسان و خطوط بخطّ واحد منتهی گردد و قطعات مختلفه ارض قطعه واحد مشاهده شود "

و در لوح خطاب بشیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعلی : " در آستانه یومی از ایّام کمال پاشا نزد مظلوم حاضر و از امور نافعه ذکر بمیان آمد ذکر نمودند که السن متعدّده آموخته اند در جواب ذکر شد عمری را تلف نموده اید باید مثل آن جناب و سایر وکلای دولت مجلسی بیارایند و در آن مجلس یک لسان از السن مختلفه و همچنین یک خطّ از خطوط موجوده را اختیار نمایند و یا خطّ و لسانی بدیع تربیت دهند تا در مدارس عالم اطفال را بآن تعلیم فرمایند در این صورت دارای دو لسان میشوند یکی لسان وطن و دیگری لسانی که عموم اهل عالم بآن تکلم نمایند اگر بآنچه ذکر شد تمسّک جویند جمیع ارض قطعه واحد مشاهده شود و از تعلیم و تعلّم السن مختلفه فارغ و آزاد شوند "

و قوله الحقّ : " حضرات ملوک و یا وزرای ارض مشورت نمایند و یک لسان از السن موجوده و یا لسان جدیدی مقررّ دارند و در مدارس عالم اطفال را بآن تعلیم دهند و همچنین خطّ در اینصورت ارض قطعه واحد مشاهده شود "

و در لوح عالم قوله الصّدق : " باید لغات منحصر بلغت واحد گردد و در مدارس عالم بآن تعلیم دهند "